

رساله تذکره الأئمة؛ ویژگی‌ها و چالش‌های کتابشناسی پیرامون آن

هادی صالحی‌زاده، دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی
ابراهیم نوئی، استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده‌ی مسئول)*
عباس احمدوند، دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

رساله تذکره الأئمة در شهر مشهد و در سده یازدهم هجری نوشته شده است. کتابشناسان و نسخه‌پژوهان درباره این رساله متفاوت سخن گفته‌اند. برخی آن را به علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی نسبت داده‌اند و شماری هم آن را به محمدباقر بن محمد تقی لاهیجی؛ همچنان که زمان تألیف آن را هم یکسان ذکر نکرده‌اند. نوشتار حاضر دستاورد شناسایی و تهیه نسخه خطی و سنگی مختلف این رساله و تهیه بسیاری از آنها و نیز تصحیح و مقابله آنها با یکدیگر، علاوه بر بررسی ویژگی‌های این رساله است. این نوشتار با التفات به شواهد درون متنی و توجه به نسخه خطی باقی‌مانده از این رساله نشان خواهد داد که مشکل اصلی در اختلاف کتابشناسان و نسخه‌پژوهان درباره این رساله آن بوده است که احاطه جامع و کافی نسبت به همه نسخه این رساله نداشته‌اند؛ افزون بر اینکه به تحلیل محتوا و ویژگی‌های این رساله و شواهد درون متنی و برون متنی دال بر مؤلف و زمان تألیف هم توجه درخوری ننموده‌اند. دستاورد تحقیق حاضر آن است که ما با دو اثر مواجهیم. یک اثر اصل رساله تذکره الأئمة است که توسط علامه مجلسی نوشته شده است و اثر دیگر تلخیصی است از آن که توسط کسی که خود را شاگرد علامه می‌داند؛ نوشته شده است که البته او را هم محمد باقر بن محمد تقی لاهیجی خوانده‌اند. علی‌رغم این احتمال که رساله در ۱۰۷۵ هجری نوشته شده باشد شواهدی در اختیار است که رساله باید در ۱۰۸۵ هجری نوشته شده باشد.

واژه‌های کلیدی: تذکره الأئمة، علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی لاهیجی، کتابشناسی.

مقدمه

تذکره الأئمة عنوان کتابی در تاریخ و مناقب پیامبر اسلام و حضرت فاطمه و امامان معصوم شیعه و شرح حال آن بزرگواران از زمان ولادت تا شهادت است و همچنین رخدادهای گوناگون زندگی، کرامات و فضائل ایشان را در بردارد. مؤلف در این کتاب تنها در اثبات فضائل امیرالمومنین علیه السلام، از ۲۰۰ کتاب اهل سنت بهره برده است. این کتاب، شامل یک مقدمه، چهارده باب و یک خاتمه است. مقدمه کتاب درباره کیفیت ولادت حضرت رسول (ص) برابر گزارش منابع یهودی و اسلامی است. چهارده باب هم به ترتیب در ذکر احوال چهارده معصوم علیهم السلام است. خاتمه کتاب در اثبات امامت ائمه اثنی عشر است. این خاتمه دارای دو مقصد است: مقصد اول: اثبات امامت ائمه شیعه به دلایل عقلی و قطع نظر از اقتضای قوانین حکمت و طریقه متکلمان (ادله روایی منسوب در منابع امامیه مد نظر مؤلف است). مقصد دوم: در دلایل نقلی مأخوذ از صحاح سته اهل سنت. علی رغم آنکه مسلم است این رساله در سده یازدهم هجری، در شهر مشهد و توسط محمدباقر بن محمدتقی نوشته شده است، کتابشناسان و نسخه پژوهان در تعیین دقیق مؤلف این رساله و زمان تألیف آن با یکدیگر اختلاف دارند. بررسی همین اختلاف، مسأله اصلی تحقیق حاضر است که البته پیش از بررسی دیدگاه‌های مختلف در این باب و داوری میان آنها، ویژگی‌های این رساله هم تبیین خواهد شد. فرضیه ما این است که اختلاف مزبور برآمده از عدم تحقیق و تفحص کامل نسخه‌های خطی باقی مانده از این رساله و درنگ نکردن در شواهد فراوان درون متنی و برون متنی دال بر نام مؤلف و زمان تألیف این رساله است. پیشینه تحقیق حاضر در سه زمینه باعث شده است که پیش از این درباره رساله تذکره الأئمة تحقیق صورت گیرد.

الف) تحقیق در باب تعیین مؤلف: شماری تراجم نگاران و کتابشناسان به اشاراتی درباره نام مؤلف رساله تذکره الأئمة بسنده کرده‌اند. میرزا حیدر علی مجلسی (۱۱۴۶-۱۲۱۴ ق) و یوسف بحرانی (ف. ۱۱۸۶ ق) بدون هیچ مناقشه‌ای این رساله را به علامه مجلسی نسبت داده‌اند (نک: مجلسی، حیدر علی، ۱۲۳۰ ق، برگ ۳۶ و بحرانی، ۱۴۲۹ ق، ص ۵۶)؛ همچنان که اندیشمندانی مانند محمدحسین خاتون‌آبادی نوه علامه مجلسی و پدر وی محمد صالح خاتون‌آبادی داماد علامه از ذکر این رساله در فهرست آثار علامه خودداری کرده‌اند. (نک: خاتون‌آبادی، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۵۰) در مقابل کسانی مانند خوانساری تلاش کرده‌اند با اقامه دلایلی نشان دهند انتساب این رساله به علامه مجلسی انتسابی نادرست است. (خوانساری، ۱۳۹۰ ش، ۲: ۸۲) محدث نوری نیز هم‌رأی با خوانساری است. (نک: نوری، ۱۳۷۷ ش، ۱۴۲)

ب) تحقیق درباره زمان تألیف این رساله: فارغ از گفت‌وگوهای فوق درباره تعیین مؤلف این رساله؛ تعیین زمان تألیف این رساله هم باعث التفات برخی تراجم نگاران و فهرست نویسان نسخ خطی به این رساله شده است. مصلح الدین مهدوی از جمله کسانی است که بر تألیف این رساله در ۱۰۸۵ هجری شواهدی اقامه کرده است (مهدوی، ۱۳۷۸ ش، ۱: ۱۶۲) و درایتی و همکارانش در فهرست تفصیلی نسخ خطی ایران احتمال تألیف رساله تذكرة الأئمة در ۱۰۷۵ هجری را مطرح کرده‌اند. (درایتی، ۱۳۹۱ ش، ج ۷، ص ۷۸۳)

ج) بررسی عقیده تحریف قرآن در میان شیعیان: گویا نخستین بار جفری آرتور مستشرق در مقاله "متنی متفاوت از سوره فاتحه" (آرتور، ۱۳۸۵ ش، ج ۱۰، ص ۴۸۴) در مورد تحریف قرآن به این رساله نظر دوخته است. همچنین فتح‌الله نجار زادگان در مقاله «افسانه سوره‌های نورین و ولایة» به مقاله جفری آرتور جواب داده و در آن بحث مختصری در مورد تذكرة الأئمة انجام شده است. (نجار زادگان، ۱۳۸۲ ش، ص ۹ تا ۲۶) نوشتار حاضر علاوه بر زدودن ابهام درباره مسائل مزبور به معرفی اهم مباحث کتابشناختی پیرامون این رساله پرداخته است. مباحثی از قبیل وضعیت نشر کتاب؛ معرفی نسخ خطی باقی‌مانده از آن؛ تحلیل محتوایی و تبیین ویژگی‌ها؛ بررسی ارزش محتوایی کتاب نزد مؤلف و دیگران؛ بررسی مصادر رساله؛ بررسی میزان اقبال و توجه دیگران به این رساله.

وجود نسخ خطی فراوان از رساله تذكرة الأئمة و انتشار آن به صورت چاپ سنگی در چند نوبت گواه بر اقبال به آن از سوی عموم شیعیان و اهل علم بوده است. اما وجود اختلاف‌های کتابشناختی و از جمله اختلاف در باب تعیین مؤلف آن همواره باعث شده است که با نگاهی تردیدآمیز به این اثر نگریسته شود؛ همچنان که در باب مسائلی چون تحریف قرآن کسانی با تمسک به این رساله و انتساب آن به علامه مجلسی بر شیعه خرده می‌گیرند و کسانی با نفی انتساب آن به علامه می‌کوشند این اتهام را از شیعه دور سازند. آنچه ضرورت تحقیق حاضر را خاطر نشان می‌کند التفات به همین قبیل اختلاف‌ها و یافتن پاسخ مناسب نسبت به این چالش‌ها است؛ به‌ویژه آنکه بتوان احاطه کاملی نسبت به نسخ خطی و چاپ‌های سنگی این رساله داشت و با تمرکز بر شواهد درون‌متنی و برون‌متنی به داوری درباره این اختلاف‌ها پرداخت.

معرفی نشرها و نسخه‌های خطی کتاب

چاپ‌های سنگی و سربی رساله

کتاب تذکره الأئمة در فاصله نیمه دوم سده سیزده هجری تا نیمه اول سده چهارده هجری به صورت‌های سنگی و سربی منتشر شده است. چاپی سنگی از این رساله وجود دارد که تاریخ چاپ آن ۱۲۶۰ (هـ ق) = ۱۲۲۲ (هـ ش) است. این چاپ به اهتمام محمدمهدی ابن محمد صالح صحاف تبریزی در تبریز چاپ شده است و در آن مؤلف به نام علامه مجلسی معرفی شده است. البته در آخر همین چاپ این‌گونه آمده است «چون سابقاً هزار جلد تذکره منطبع شده و نسخه آن منحصر بود و این نسخه بعد از آن به دست افتاد، از این نسخه نیز موازی یک هزار جلد نیز مطبوع گشته به اتمام رسید». یکی دیگر از چاپ‌های کتاب، چاپ سربی است که در تاریخ ۱۲۷۷ (هـ ق) در تهران صورت گرفته است. این کتاب بار دیگر به اهتمام ملأ محمدحسن و مشهدی محمدصادق در تاریخ ۱۳۰۰ (هـ ق) در تهران به صورت سنگی منتشر شده است. همچنان که حسب خواهش میر جلال‌الدین کتاب‌فروش تبریزی در تاریخ ۱۳۱۲ (هـ ق) نیز به صورت سنگی منتشر شده است. نقطه ضعف همه این چاپ‌ها آن است که بر اساس نسخه‌هایی منتشر شده‌اند که در پایان آن‌ها افتادگی وجود داشته و متن آن‌ها با متنی که از روی نسخه مؤلف نوشته شده است تفاوت‌هایی دارد. بعدی ندارد که این وضعیت نشر نیز منشأ برخی شبهه‌ها درباره مؤلف آن و احتمالاً کم‌توجهی اهل علم به آن رساله بوده باشد.

نسخ خطی رساله

فهرست *دنا* (درایتی، ۱۳۹۰ ش، ج ۲، ص ۱۰۵۱-۱۰۵۴)، مجموعاً ۹۴ نسخه از رساله *تذکره الأئمة* را به لاهیجی نسبت داده و ۱۶ نسخه را هم به علامه مجلسی منسوب کرده است. (همان، ج ۲، ص ۱۰۵۴) در فهرست *فنخا* نیز ۱۲۳ نسخه خطی از این رساله به لاهیجی نسبت داده شده (نک: درایتی، ۱۳۹۱ ش، ۷: ۷۸۳) و هیچ نسخه‌ای از این رساله به علامه مجلسی منسوب نشده است. این عمل حکایت از آن دارد که فهرست نگاران مجموعه *فنخا* به این نتیجه رسیده‌اند که رساله مزبور از لاهیجی است و نه از علامه مجلسی. ضمناً در هر یک از مجموعه‌های *دنا* و *فنخا* تنها یک نسخه (به شماره ۷۷۸/۵ - ۳۹/۲۵۸ کتابخانه مدرسه آیت‌الله گلپایگانی قم) به‌عنوان تلخیص کتاب *تذکره الأئمة* معرفی شده است. ملخص و ماتن هم همان لاهیجی دانسته شده است. به‌طور کلی نسخه‌هایی که از *تذکره الأئمة* باقی‌مانده است، به دودسته کلی تقسیم می‌شود.

دسته اول: نسخه‌های خطی تلخیص از متن

از نسخه‌هایی که به‌عنوان تلخیص تذکره در دست است می‌توان به دو نسخه اشاره کرد: نسخه‌ای مکتوب در سال ۱۱۲۰ هجری قمری که با شماره ثبت ۲۲۳ در کتابخانه آستانه مقدسه حضرت معصومه سلام‌الله علیها نگهداری می‌شود که تلخیصی از نسخه اصل است و متعلق به شخصی غیر از علامه مجلسی است. این نسخه اشتباهات کمتری نسبت به نسخه دیگر دارد و تاریخ کتابت و کاتب آن قید گردیده است. درحالی‌که انتهای نسخه دیگر ناقص بوده است و لذا فاقد اطلاعات تاریخ کتابت و کاتب است که طبعاً از اعتبار آن می‌کاهد.

دسته دوم: نسخ خطی متن تذکره الأئمة

این نسخ خود به دو نوع تقسیم می‌شود؛ چراکه برخی از این نسخه‌ها از روی نسخه مؤلف نوشته شده و برخی دیگر معلوم نیست از روی چه نسخه‌ای استنساخ شده‌اند. در این میان نسخه ۸۷۴ مرکز احیاء التراث الاسلامی مکتوب در ۱۲۲۳ هجری، نسبت به نسخ دیگر دارای مزایای زیر است:

- مزیت اول: این نسخه از روی نسخه‌ای که توسط مؤلف در ۱۰۸۵ هجری تألیف و کتابت شده بود، استنساخ گردیده است. طبعاً احتمال تغییر در الفاظ و عبارات را کمتر کرده و ما را به واقعیت نزدیک‌تر می‌کند.

- مزیت دوم: این نسخه با دقت بسیار نوشته شده است و غلط‌ها و خطاهای آن اندک است. این امر نشان از خبره بودن کاتب دارد و خود می‌تواند ملاکی برای ترجیح باشد، زیرا چه بسا کاتبانی که از روی نسخه اصلی استنساخ کرده باشند ولی به جهت عدم اطلاع و علم کافی و عدم توان تشخیص، نتوانند نسخه را به درستی استنساخ کنند و عملاً آن نسخه دچار تغییر و انحراف گردیده باشد. ضمناً کاتب نسخه مورد بحث در امانت داری تلاش خود را به نحو کامل انجام داده است. او در برخی موارد در گوشه‌ای از کتاب کلمه یا کلماتی را تصحیح کرده است.

- مزیت سوم: در ابتدا و وسط این نسخه علامت بلاغ دیده می‌شود که از جهت کتابشناسی و نسخه‌شناسی گواه بر اعتبار بیشتر نسخه است و نشان می‌دهد نسخه در اختیار اندیشمندان و اهل علم بوده و بلاغ آن‌ها به نوعی تأیید نسخه است.

برخی از ویژگی‌های رساله

شماری از مهم‌ترین ویژگی‌های محتوایی کتاب را می‌توان این چنین برشمرد.

نگارش به زبان فارسی

رساله *تذکره الأئمه* به زبان فارسی نوشته شده است. فارسی نویسی انگیزه‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد. از جمله آنها حمایت از زبان رسمی یک سرزمین و یا ارتباط با عموم مردم و تأثیر نهادن بر آنهاست. رساله حاضر هم ظاهراً همسان با رساله *جلاء العیون* علامه مجلسی در تاریخ چهارده معصوم و برای عامه مردم نوشته شده است.

خلاصه نویسی و فشرده نگاری

مؤلف در این کتاب سعی کرده است متنی مبتنی بر روایات ارائه داده و تنظیمی برای آنها انجام دهد که در عین گویا بودن متن و ارتباط منطقی بین متون، خلاصه‌ای از عناوین مهم در مورد هر یک از اهل بیت علیهم السلام را مطرح کند. لذا در برخی موارد؛ مانند باب مخصوص به امیر المومنین این تلخیص به جایی رسیده است که تنها اشاره به عنوان روایات شده است.

استفاده از کتب مخالفین

غرض مؤلف از این نوشتار معرفی اهل بیت علیهم السلام به مخالفین بوده است؛ اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان. مؤلف در مقدمه رساله به این مطلب تصریح می‌کند که از منابع غیر شیعیان و غیر مسلمانان اعم از منابع یهودی و مسیحی و حتی منابع هندی برای نوشتن این رساله استفاده بسیار برده است. و حتی در متن هنگام استفاده از آنها نام برده: «و در انجیل آسمانی احمد و در انجیل نصاری منحرف مهمید است. و در انجیل متی مارکاره و در انجیل مرقس فارقلیط و در انجیل لوقا محیطارانج و در انجیل فرنکان شنطیاب و در انجیل یوحنا کاور.» می‌دانیم که بعضی از اندیشمندان مسلمان از جمله علامه مجلسی (۱۴۰۴ ق، ۲: ۳۵۵ و ۱۴۰۳ ق، ۱۵: ۴۷۳) و قطب راوندی (۱۴۰۹ ق؛ ج ۱ ص ۷۷) و سید بن طاووس (بی تا: ص ۶۲) هم شماری از بشارت‌های انجیل به آمدن رسول الله (ص) را ذکر کرده‌اند. و مؤلف رساله حاضر چیزی بیشتر از آن نوشته‌ها را در این رساله منعکس نکرده است.

استفاده از کتب کم یاب و نایاب:

مؤلف در باب احوال امام زمان علیه السلام از کتابی نایاب با عنوان «*فهرنگ الملوک*» یا همان «*سرار العجم*» و «*جاماسب نامه*» مطالبی را نقل می‌کند. این کتاب را وزیر جلیل القدر کرمان

برای مؤلف فرستاده و دارای نُه جزء بوده و بر روی پوست نوشته شده بود. مؤلف صریحاً می‌گوید: «تا حال نشنیده بودم که کسی از عرب و عجم این را دیده باشد، بلکه نامش را نشنیده‌اند». گفتنی است جاماسب نامه از کتب گذشتگان ایرانی و حاوی احکام نجوم و پاره‌ای پیشگویی‌ها است که علاوه بر تحریر عربی آن، به زبان فارسی هم تحریر (و یا ترجمه) شده و با نام *فرهنگ الملوك و اسرار العجم* شناخته می‌شود.

شتاب در تألیف ضمن کثرت اشتغالات در مشهد مقدس

مؤلف در پایان کتاب می‌نویسد «باینجا ختم شد این رساله. وقد فرغت من تسويد هذه الرسالة العاجلة مع وفور الاشتغال و تخلخل الاحوال على سبيل الاستعجال في مشهد امام المومنين...». از این عبارت استفاده می‌شود این کتاب جزء کارهای مهم مجلسی نبوده بلکه در کنار کارهای خود این کتاب را نیز نوشته است. لذا اگر در مورد مطلبی بین این کتاب و کتب دیگر مجلسی تعارضی وجود داشته باشد قطعاً باید به مطالب کتب دیگر عمل کرد. مساله تحریف قرآن نیز جزء همین مسائل است.

ذکر اقوال ضعیف در برخی موارد

پاره‌ای از موارد در نسخ اصل و نسخ تلخیص با اقوال و آراء ضعیف تاریخی و کلامی مواجه می‌شویم. چنانکه گاه از مقدس بودن مسجدی در اصفهان سخن می‌گوید که امام حسن علیه السلام در آن مسجد نماز خوانده است و گاهی دیگر از زیارتگاهی در اطراف تهران؛ منسوب به شهربانو همسر امام حسین علیه السلام سخن به میان می‌آورد. البته در پاسخ این اشکال باید گفت که در مورد هیچ یک از این نقل‌های مشکوک نمی‌توان آنها را به معتقدات علامه مجلسی نسبت داد، بلکه در همه این موارد نقل مطالب به عهده دیگران گذاشته شده است، و یا مطلب در مقامی نقل شده که واضح است مؤلف آن را نپذیرفته است. مثلاً در باب امام حسن علیه السلام می‌نویسد «و بعضی از علمای اهل سیر و تواریخ برآندند...» و یا در باب امام حسین در مورد زیارتگاه شهربانو می‌گوید «و آنچه از احادیث ظاهر می‌شود شهربانویه در کربلای معلی نبوده بلکه در واقعه کربلا در حیات نبوده. و اما مذکور می‌شود که در شهر طهران کوهی است و شهربانویه در آنجا مدفون است، و چون آنحضرت شهید شد شهربانویه بفرموده آنحضرت بر اسب ذو الجناح سوار شده بطی الأرض باین ولایت آمده و در آن کوه غایب شده. و می‌گویند زنی که به پسر حامله باشد در آن خانه که شهربانویه آسوده است داخل نمی‌تواند شد. والله يعلم...» از جمله مواردی که در نسخ متن و تلخیص رساله *تذكرة الأئمة* قابل توجه است؛ آن است که ماتن و ملخص قائل به تحریف قرآن شده‌اند. حتی دو سوره به نام‌های *سورة النورین* و *سورة الولاية* را

با همه آیات آنها ذکر کرده‌اند. مؤلف این بحث را چنین می‌آورد: «و این قرآن که الحال در میان است ترتیب آنرا عثمان بن عفان ... نموده است و آنچه مشهور است سه جزو آن را که در باب فضیلت حضرت امیرالمؤمنین ع و اهل بیت رسالت پناه ص و در مذمت قریش و فضایح ایشان بود آنرا عثمان... بیرون کرده و اکثر آیات که حال هست و اسم آنحضرت و اهل بیت او صریحاً ظاهر بود آنرا نیز بیرون کرد و عثمان بعضی از آیات که کفر شیخین و مذمت ایشان صریحاً ظاهر بود؛ بیرون کرد. بعد از آنکه در همه ولایات همه قرآن را جمع کرده بودند و عاملان او بمدینه فرستاده بودند قریب بچهل هزار قرآن قرآن بود فرمود تا همه را سوختند و هفت قرآن نوشت بترتیبی که حال هست و سَنَیَان آن قرآنرا را امام میگویند و مردم از روی آن قرآنرا نویساندند و در تفسیر گازر و ملا فتح الله علیه الرحمه اخراج بعضی از آیات دزدیده عثمان و دو سوره از سوره قرآنی از مصحف عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نوشته بود این فقیر نیز درین رساله ایراد می‌نماید» بعید نیست وجه اعراض اصحاب از این رساله و نسبت دادن آن به لاهیجی و ضعیف شمردن این رساله به جهت قول به تحریف در این کتاب باشد؛ چرا که علامه مجلسی مجلسی اگرچه در بحار الانوار به نوعی از تواتر معنوی اخبار تحریف سخن می‌گوید ولی نظر نهایی خود را صریحاً این گونه اعلام می‌کند: «إِنَّ الْأَخْبَارَ الَّتِي جَاءَتْ بِذَلِكَ أَخْبَارَ آحَادٍ لَا يَقْطَعُ عَلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى بِصِحَّتِهَا.» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۹ ص ۷۵) و جایی از آثار علامه مجلسی نیز ذکری از این دو سوره مجعول به میان نیامده است.

البته باید به مقامی که مؤلف در رساله تذکره و تلخیص آن به بحث تحریف قرآن ورود پیدا کرده هم توجه داشت. مؤلف در باب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بحثی را در مورد بشارت کتب آسمانی در مورد پیامبر باز کرده است که همه آنها وعده به آمدن چنین پیامبری داده‌اند. اول جملاتی را از تورات و بعد از آن جملاتی از انجیل و در ادامه جملاتی از زند و پازند می‌آورد. بعد از این وارد بحثی در مورد قرآن می‌شود از جمله نزول در بیست و سه سال، ترتیب نزول آیات، و آخرین مطلب هم بحث تحریف قرآن است که عمده آنها به آیاتی اختصاص دارد که در آنها تصریح به نام پیامبر اکرم و امیر المومنین شده است. ظاهراً شبهه‌ای در ذهن مؤلف باعث شده تا این مطلب را مطرح کند و آن شبهه این بوده که چگونه ممکن است در تورات و انجیل و زند و پازند بشارت‌هایی ذکر شده باشد ولی در خود قرآن این مطلب یافت نشود. لذا مؤلف به این سمت رفته که اثبات کند در قرآن نیز این مطلب وجود داشته است. این نکته هم شایان تذکر است که در دو کتاب مذکور نیز عقیده به وجود سوره یاد شده و حذف بعضی از آیات، دیده نمی‌شود. افزون بر اینکه به گفته مرحوم محدث ارموی، عمده تفسیر ملا فتح فتح الله یعنی منهج الصادقین برگرفته از تفسیر جلاء الالذهان معروف به تفسیر گازر است. (جرجانی،

۱۳۳۷ ش، جلد ۱، مقدمه، صفحه "ی"). لذا اگر هم در نسخه‌ای از این دو کتاب اشاره‌ای به این موارد شده باید توجه شود که این دو کتاب استقلالی ندارند که گفته شود مطلب مزبور در کتب مختلف آمده است.

معرفی مذاهب اسلامی

در حالیکه کتب سیره و تذکره ائمه معمولاً متعرض فرق و مذاهب اسلامی نمی‌شوند؛ مؤلف در پایان باب نخست، به معرفی فرق و مذاهب اسلامی و فرقه ناجیه می‌پردازد. ظاهراً مستند این دسته‌بندی‌های وی دو کتاب *الملل و النحل* محمد بن عبدالکریم شهرستانی و *تبصرة العوام* سید مرتضی رازی است؛ هرچند در مواردی به هم‌ریختگی و اختلاط میان این فرق هم در این دسته‌بندی‌ها مشاهده می‌شود. همچنین در مواردی نیز به مناسبت، در میانه کتاب فرقه‌ای را با افکارشان توضیح می‌دهد. مثلاً در باب هشتم مربوط به امام صادق (ع)، اسماعیلیه را به تفصیل معرفی می‌کند. در نگاه وی، فرقه ناجیه، شیعه اثنی عشریه و امامیه‌اند.

معرفی ملل و ادیان دیگر

مؤلف پس از معرفی تعدادی از فرق و مذاهب اسلامی، به معرفی گروه‌هایی از ملل و ادیان دیگر نیز مبادرت ورزیده است. این گروه‌بندی‌ها چندان دقیق هم نیستند و وجهی که مانع تداخل برخی از آنها در برخی دیگر نشود، چندان روشن نیست.

ذکر اقوال صوفیه

توجه به اقوال صوفیه و نقل آنها هم یکی از ویژگی‌های این رساله است. البته در این زمینه قدری تفاوت میان نسخ تلخیص و اصل دیده می‌شود؛ چنانکه در نسخه تلخیص (۱۱۲۰ آستانه معصومیه) عبارت تمجید آمیز «و دیگر مشایخ ذوی الاحترام تصوف و بزرگوار ایشان چون مولانای روم شمس تبریزی و شیخ عطار و جنید بغدادی و بایزید طیفور بسطامی و غیرهم» را می‌بینیم. ولی در نسخه اصل (۸۷۴ مرکز احياء) تعبیر «ذوی الاحترام» و «بزرگوار» دیده نمی‌شود. افزودن تعابیر مزبور از سوی ملخص؛ نشان از تمایل وی به تصوف دارد؛ چنانکه عدم ذکر این تمجیدها با روحیه علامه مجلسی سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا مخالفت وی با صوفیه زبانزد همه آشنایان با وی و آثار اوست. او در جای جای رساله *حقّ الیقین* به نکوهش صوفیه و گاه لعن و نفرین آن‌ها می‌پردازد.

بررسی مصادر استفاده شده توسط مؤلف

در مورد ادیان و مذاهب دیگر مؤلف از کتب مصدر آنها استفاده کرده است. به تعبیر وی «از کتب معتبره اهل اسلام و از تواریخ و از کتب براهمه هندوان و حکمای یونان و ملل باطله» در نوشتن این رساله استفاده کرده و البته در این مسیر دچار «تعجب بسیار» هم شده است. نام‌آنوس بودن عناوین این کتاب‌ها سبب شده که حتی کاتبان و ناسخان نسخ باقی‌مانده از این رساله، به هنگام کتابت آن عناوین گاه یک اثر را به نام‌های مختلف ذکر کنند.

• عمده منابع یهودی و مسیحی مورد استفاده مؤلف؛ عهد عتیق، عهد جدید و رساله‌های منسوب به انبیای بنی اسرائیلی می‌باشد.

• اسامی کتب براهمه هند که مؤلف از آنها نام برده عبارتند از: *ویدا، شاکمونی، شانی کلیو، ناسک، طمطم هندی، کتاب حکیم بلوهر، کتاب داهر حکیم واضح شطرنج، وشن، هزار نامه، قطرہ، بختاور و پانتکل.*

• اسامی کتب یونانی مورد استفاده وی عبارتند از: *مصحف هرمس الهمراسه، هیاکل، تمائیل مغربی، دو کتاب بلند (یا کتاب بلیناس؟)، منتخب از جالینوس طبیب، دو کتاب وابیل و ماتماسطن بطمیوس، کتاب ماریاقین و نوامیس از افلاطون، کتاب حل و عقد ارسطو، کتاب ارماتس منسوب به پادشاه یونان، کتاب قوسموس فیثاغورث و کتاب خلاصه جاماسب.*

• اسامی کتب مجوسیان نیز چنینند: *زند، پازند و زمزم از تصنیفات زردشت (موسوم به سیاه)، کتاب جاودان از تصنیفات هوشنگ الملک و یمین پادشاه دنیا (که فارسیان او را پیغمبر می‌دانند)، کتاب قسطنطین لوقا، مزدک، کتاب زندقه مانی، فرهنگ الملوک، فرنکل، اقلیدوس، بطرقم، آزادبخت، دساتیر و کتاب دلینا و انباغ (?) که مدعی‌اند صحف است.*

البته منابعی که از کتب مذهب شیعه در این کتاب مورد استفاده قرار داده شده است غت و ثمین دارد. برخی از منابع جزء مصادر مهم است و برخی از آنها نه تنها از مصادر نیست بلکه قابل اعتماد هم نیست. از جمله کتبی که مصنف از آنها اسم برده است و جزء مصادر شیعه است می‌توان به کتب کلینی، صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی و سید مرتضی اشاره کرد. پیش از این هم گذشت که درباب تحریف قرآن به نقیصه؛ مستند مؤلف تفسیر کازر یا جلاء الأذهان و تفسیر منهج الصادقین ملافتح الله کاشانی بوده است.

بررسی اختلاف اقوال درباره مؤلف رساله

علی‌رغم اینکه در ابتدای این رساله مؤلف خود را محمدباقر بن محمدتقی معرفی می‌کند، تراجم‌نگاران و فهرست‌نویسان نسخ خطی گاهی این رساله را در شمار تالیفات علامه محمدباقر مجلسی جای داده‌اند و برهه‌ای هم به محمدباقر بن محمدتقی لاهیجی منسوب کرده‌اند:

انتساب رساله به علامه محمد باقر بن محمد تقی مجلسی

کسانی چون حیدر علی بن عزیز الله مجلسی اصفهانی (۱۱۴۶-۱۲۱۴ ق) از نوادگان علامه؛ در رساله *الإجازة الکبيرة* (مجلسی، حیدر علی، ۱۲۳۰ ق، برگ ۳۶)، و یوسف بحرانی متوفای ۱۱۸۶ هجری هم در رساله «*هؤلوة البحرین فی الإجازات و تراجم رجال الحدیث*» (نک: بحرانی، ۱۴۲۹ ق، ص ۵۶) آخرین نوشته فارسی علامه مجلسی را همین رساله می‌دانند.

عدم ذکر این رساله در میان نوشته‌های علامه مجلسی

محمدحسین بن محمدصالح حسینی خاتون‌آبادی در فهرست تالیفات علامه مجلسی در فصل اول این رساله، ده کتاب را به عنوان کتاب‌های عربی و در فصل دوم، چهل و نه کتاب را به عنوان کتاب‌های فارسی علامه مجلسی برمی‌شمارد، ولی در این میان نامی از *تذکره الأئمه* نمی‌برد. میرمحمدصالح خاتون‌آبادی (داماد مجلسی) در *حداثقی المقربین* (خاتون‌آبادی، ۱۳۸۹ ش، ص ۲۵۰) هم نامی از این رساله علامه مجلسی به میان نمی‌آورد.

تصریح به نادرستی انتساب این رساله به علامه مجلسی

محمدباقر موسوی خوانساری در *روضات الجنات* و در مقام ردّ بر بحرانی که *تذکره الأئمه* را به علامه مجلسی نسبت داده بود برخاسته و صریحاً می‌نویسد دلایلی در اختیار است که سخن بحرانی را باطل می‌کند. کوتاه‌ترین و متقن‌ترین آن دلایل این است که داماد علامه مجلسی این رساله را در فهرست نوشته‌های علامه ذکر نکرده است. روشن است که هیچ تراجم‌نگاری نسبت به داماد مجلسی به وی نزدیکتر نبوده است و نمی‌توان پذیرفت علامه مجلسی کتابی به این حجم را نوشته باشد که دیگران به آن دسترسی داشته‌اند ولی دامادش هیچ اطلاعی از آن نداشته است. (خوانساری، ۱۳۹۰ ش،

محدث نوری هم انتساب رساله *تذکره الأئمه* به علامه مجلسی را قطعاً نادرست می‌داند؛ چرا که شاگرد فاضل مجلسی یعنی میرزا عبدالله افندی در فصل پنجم کتاب ریاض العلماء که آن را به ذکر کتب مجهول اختصاص داده و آن را در زمان حیات استادش مجلسی نوشته تصریح می‌کند که کتاب *تذکره الأئمه* از تأیفات برخی از معاصرین ما است که به تصوف گرایش دارد و گاهی نیز از تفسیر الصافی فیض کاشانی نقل می‌کند». در حالی که می‌دانیم علامه مجلسی تمایلی به تصوف نداشته و از تفسیر *الصافی فیض* هم نقل نمی‌کند. البته به نظر می‌رسد میرزا عبدالله افندی خود نیز متن *تذکره الأئمه* را ندیده باشد؛ زیرا درباره آن نوشته است که کتابی در تفسیر آیات قرآن کریم است که در شأن اهل بیت نازل شده و از همین روست که از تفسیر *الصافی فیض* کاشانی نقل کرده است. (نک: نوری، ۱۳۷۷ ش، ۱۴۲)

انتساب رساله به محمدباقر بن محمد تقی لاهیجی

آقا بزرگ طهرانی در *الذریعه* (۱۴۰۳ ق، ۴: ۲۶) و محسن امین عاملی در *اعیان الشیعه* (امین عاملی، ۱۴۰۶ ق، ج ۹: ۱۸۲-۱۸۴) هم این رساله را به لاهیجی نسبت داده‌اند. محمدحسین حسینی جلالی در *فهرس التراث* (۱۴۲۲ ق، ج ۲، ص ۲۴) این کتاب را هشتمین کتاب از کتب علامه مجلسی شمرده است.

داوری نهایی درباره مؤلف

ظاهراً تراجم‌نگاران مزبور، هم دسترسی تام و کاملی به نسخ خطی باقی‌مانده از این رساله نداشته و هم درنگ کافی در شواهد درون متنی این رساله نکرده‌اند. ما از سویی به فحص نسبتاً کاملی در اطراف نسخ خطی باقی‌مانده از این رساله موفق شدیم و از سوی دیگر به دقت به جمع‌آوری شواهد درون متنی آن پرداخته‌ایم. از میان شواهد متعدد قابل توجه و پس از تهیه بررسی ۱۵ نسخه از کتاب، روشن‌ترین شاهدی که در اختیار است ما را به این نتیجه جدید و متفاوت درباره این رساله و مؤلف آن رسانده که با دو اثر روبه رو هستیم.

۱) اصل رساله *تذکره الأئمه*

۲) تلخیص آن

متن را علامه مجلسی و تلخیص را یکی از شاگردان او بعد از رحلت استاد نوشته است. در حالی که برخی از نسخ خطی باقی‌مانده از این رساله، اصل رساله را استنساخ کرده‌اند و در آنها ردّپایی از لاهیجی دیده نمی‌شود، در مواردی نیز مؤلف تصریحاتی دارد که روشن می‌کند متن *تذکره الأئمة* از علامه مجلسی است. در این مجال با تمرکز بر دو نسخه زیر، شواهد درون متنی خود بر این مطلب را ارائه می‌کنیم.

- نسخه ۱۲۲۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی مکتوب در رمضان ۱۲۸۴ هجری که از روی نسخه مؤلف کتابت شده است. این نسخه متعلق به اصل رساله *تذکره الأئمة* و از علامه مجلسی است.
- نسخه ۱۱۲۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ثبت ۶۱۳۵۴ این نسخه، تلخیصی از نسخه اصل و متعلق به شخصی غیر از علامه مجلسی است.

شاهد درون متنی اول:

در باب امیر المومنین علیه السلام مؤلف بحثی در مورد قضاوت آن حضرت انجام داده و در آن، دو مورد از قضاوت‌های امیر المومنین علیه السلام را بدین نحو بیان کرده است: «و مهارت تمام در احکام و قضایا و سوانح و حوادث بدیهی داشت، از آن جمله دو مسئله را بیان می‌نماییم: مسئله اول: دیناریه است و رکاب نیز می‌گویند و شرح آن این است که زنی آمد به خدمت حضرت امیرالمومنین (ع) در وقتی که پای مبارک در رکاب می‌گذاشت پس گفت: یا امیرالمومنین (ع) به درستی که برادر من فوت شده است و ششصد اشرفی از او مانده است و از مال او یک اشرفی به من داده‌اند، پس سؤال می‌کنم از تو که داد مرا بستانی. حضرت فرمودند در جواب که: از برادر تو دو دختر مانده است؟ آن زن گفت: بلی. آن حضرت فرمود که: رسد این دو دختر را دو ثلث مال که چهارصد اشرفی باشد. پس فرمود که: مادر برادرت مانده است؟ آن زن گفت: بلی. حضرت فرمودند: سدس مال که صد اشرفی است، رسد مادر است. پس حضرت فرمود که: از برادرت زوجه مانده است؟ گفتم: بلی. فرمود که: رسد زوجه ثمن است که هفتاد و پنج اشرفی است. پس فرمود که: دوازده برادر با تو هست؟ آن زن گفت: بلی. حضرت فرمود که: رسد هر برادری دو اشرفی است، رسد تو یک اشرفی است. تو رسد خود را گرفته بروی. آن زن رفت و حضرت سوار شد.

مسئله دوم: را منبریه می‌گویند و شرح این آن است که آن حضرت در سر منبر کوفه بود پس مردی برپا خاست و گفت: یا امیرالمومنین به درستی که شوهر دختر من مرده است و رسد او از

متروکات شوهرش ثمن است و تسع داده‌اند! پس سوال می‌کنم تو را از انصاف. حضرت فرمودند که: دو دختر از داماد تو مانده است؟ گفت: بلی. حضرت فرمودند که: پدر و مادر از داماد تو مانده است؟ گفت: بلی. حضرت فرمود: ثمن نصیب او تسع است، پس طلب ارث سوای این مکن.»

بعد از این متن، عبارت نسخه ۱۲۲۳ چنین است: «مؤلف گوید که این دو مسئله را اگر چه آن حضرت به بدیهه فرمودند از راه اعجاز، لیکن محمول بر تقیه است و تقسیم این دو میراث به طریق سنیان است که شریح قاضی کوفه حکم کرده بود و آن حضرت او را معزول کردند. باز بعد از هفتاد و پنج روز به سبب لجاج و الحاح مردمان که او را می‌خواستند و می‌گفتند که او را عمر نصب کرده و عول و تعصیب را در میراث او قرار داده، ما سنت او را بر هم نمی‌زنیم. آن حضرت لاعلاج دید که فتنه و آشوب می‌شود او را نصب کرد.» و عبارت نسخه ۱۱۲۰ چنین است: «حضرت استادی نور الله مضجعه فرموده درین دو مقام که این دو مسئله را اگر چه آن حضرت در بدیهه از اعجاز فرمودند لکن محمول بر تقیه است و تقسیم این دو میراث به طریق سنیان است که شریح قاضی فرموده بوده‌اند و آن حضرت او را معزول نمود. از قضا و باز بعد از هفتاد و پنج روز به سبب لجاج و الحاح مردم که او را می‌خواستند و می‌گفتند که او را عمر نصب کرده و عول و تعصیب را او در میراث قرار داده و ما سنت او را بر هم نمی‌زنیم آن حضرت لاعلاج دید که فتنه می‌شود او را منصوب کرد.» در اینجا به وضوح دیده می‌شود که در نسخه ۱۱۲۰ که تلخیص نسخه اصل است اذعان شده که این بیان متعلق به استاد است و این مطلب در نسخه ۱۲۲۳ از شخص مؤلف صادر شده است.

شاهد درون متنی دوم

در باب امام حسین علیه السلام مؤلف بحثی به این عنوان دارد «احوال آن معصوم» که در آنجا چنین آمده است: «در کربلا پر بلا به چند کلمه اختصار می‌نماید. کفره فجرة اهل قبله از کوفیان و شامیان و مشرکان عرب لعنه الله علیهم در آن روز هزار و نهصد زخم بر آن حضرت زدند و جراحات نمایان او هفتاد و دو زخم، نیزه سی و سه بوده و زخم شمشیر سی و نه و تتمه زخم تیر بود و سنگ و همه در پیش روی آن حضرت بود و چون کار بر آن حضرت تنگ کردند ده نفر از آن ملاعین عازم قتل شدند. محمد و اسحاق اشعث به طریق مخالفان و به طریق شیعه قیس و اسحاق پسران اشعث و شیب بن ربیع و خولی بن یزید اسبجی و سنان بن انس و ابوالخندق و حرمه بن کاهل اسدی و شمر ذی الجوشن و ابوالأشرس والی خراسان و حکیم بن طعیل علیهم اللعنه و الویل و العذاب و الهاویه ابوالحتوق

ابوالحتوق ملعون تیری بر پیشانی آن حضرت زد شیث ربعی ملعون سه شعبه زهرآلود بر سینه آن حضرت زد و صالح بن وهب مزنی ملعون نیزه بر پهلوئی آن حضرت زد و ابو ایوب غنوی ملعون تیری بر حلقوم آن حضرت زد و عبدالله بن حصین ازدی ملعون تبری بر حنک آنحضرت زد و حصین بن نمیر سکونی ملعون تیری بر دهان آن حضرت زد و زرعه بن شریک ضربتی بر دست چپ آن حضرت زد و حرمله بن کاهل اسدی لعنه الله شمشیری بر بازوی آن حضرت زد و شرجیل ذی الکلاع ملعون اسب بر بدن مبارک مبارک آن حضرت دوانید تا ابن جوشن و غالب ماهل و عبدالله بن ایاس سلمی و ابوالأشرس والی خراسان و عبدالرحمن بن ابی عمیر ثقفی و عبدالله بن شداد چشمی و سائب بن مالک اشعری و بشر بن سوط همدانی و عبدالله بن اسید جهنی و یحیی بن کعب و عروه بن قیس أحمصی و قره برادرش و یزید بن رکاب لعنه الله علیهم. و سنان ملعون خواست پیش دستی کند که شمر حرامزاده کرد آنچه کرد. *اللَّهُمَّ الْعِنِ الْعَصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ وَ شَايَعَتْ وَ بَايَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا*. بعد از این متن عبارت نسخه ۱۲۲۳ چنین است: «وکافرانی که اسباب آن حضرت را غارت نمودند» یعنی در واقع این قسمت از بحث را تمام کرده و به بحث دیگری می‌پردازد. عبارت نسخه ۱۱۲۰ نیز چنین است: «و فقیر می‌گوید که حضرت استادی یعنی شیخ علاء الدین محمد قدس الله روحه در بحار الانوار نقلی فرمود که آن ملاعین اراده دوانیدن اسب بر بدن مبارک آن حضرت کردند ایشان را میسر نشد. و در این کتاب تصریح فرموده چنانچه ظاهر عبارت کتاب و ممکن است حمل بر دوانید همان معنی کردن که در بحار الانوار فرموده یعنی به جماعت ملاعین این اراده کردند و اسب خود را به جولان در آورده تحریص می‌نمودند لعنه الله علیهم من الأولین و الآخرین.» عبارت «و در این کتاب تصریح فرموده» نشان می‌دهد که کتاب تذکره الأئمة متعلق به استاد لاهیجی، صاحب بحار الانوار یعنی علامه مجلسی است و وی یکی از شاگردان علامه مجلسی به شمار می‌رود.

شاهد درون متنی سوم

در باب امام زمان علیه السلام قسمتی به نام بردن از کتب ادیان و مذاهب و آئین‌های مختلف اختصاص داده شده است که کتب غریبی است و در مورد ظهور حضرت در آنها بحث شده است، در آنجا چنین آمده: «تصریح به این معنی جاماسب که یکی از حکمای فرس است نموده در کتاب فرهنگ الملوک که اسرار العجم نیز می‌گویند، از کتاب‌های مخفی مجوس است، بلکه آن را به منزله الیا که صحف باشد می‌دانند و به اصطلاح گبران جاماسب‌نامه می‌گویند و احکام ذبیح و حوادث و وقایع گذشته

در آنجا ثبت است. و این کتاب را وزیر جلیل‌القدر کرمان برای فقیر فرستاد و نه جزو بود که به پوست نوشته بودند و اکثر خطوط آن به خط یونانی و معقلی و قلم داودی، و بعضی به خط فارسی بود و منتسخ آن بعضی مندرس شده بود و تا حال نشنیده بودم که کسی از عرب و عجم این را دیده باشد، بلکه نامش را نشنیده‌اند.»

وجه استشهاد به این قسمت این است که مؤلف می‌گوید این کتاب یکی از کتاب‌های مخفی است و نسخه خطی آن را وزیر کرمان برای ایشان آورده است. با اندکی تأمل می‌توان دریافت که مؤلف کتاب باید شخصیتی باشد که وزیر به جهت شخصیت ایشان، نسخه را به او هدیه داده باشد. و پر واضح است که در آن زمان کسی که در حکومت منصب داشت و بالاتر از همه روحانیون بود، علامه مجلسی بود، نه مرحوم لاهیجی که توصیف زندگانی ایشان را در کتب به سختی می‌توان یافت و آثار خاصی در اجتماع از ایشان نقل نشده است. از آن گذشته علامه مجلسی به جهت تتبع در این باب و تلاش برای انتقال کتب معتبر به نسل بعد، نسخه‌های نفیسی در اختیار داشته ولی در مورد مرحوم لاهیجی، چنین ویژگی نقل نشده است.

شاهد درون متنی چهارم

در باب حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها چنین آمده است: «باب دویم در احوالات خیر مآل حضرت سیده النساء فاطمه زهرا صلوات الله علیها.» این عبارت در متن نسخه ۱۲۲۳ بدون هیچ اضافه‌ای در قبل و بعد از آن وارد شده است. این عبارت در نسخه ۱۱۲۰ چنین آمده: «حضرت استادی نورالله در کتاب مذکور فرموده که باب دویم در احوالات خیر مال حضرت سیده النساء فاطمه زهرا صلوات الله علیها.» این نیز یکی از شواهدی است که در نسخه ۱۱۲۰ تصریح می‌کند کتاب متعلق به استاد ایشان است در حالی که این اضافه به کلی در نسخه ۱۲۲۳ دیده نمی‌شود.

شاهد درون متنی پنجم

در باب حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها چنین آمده است: «تسبیح حضرت فاطمه (ع) که مشهور است در میان امت متعلق به آن حضرت است که حضرت رسالت پناه (ص) به او شفقت فرموده که بخواند چون بسیار محنت می‌کشید از خدمات خانه.» در نسخه ۱۲۲۳ قبل از این عبارت مطلبی ندارد. در عبارت نسخه ۱۱۲۰ چنین آمده است: «و حضرت استادی که در کتاب مذکور فرموده در خصایص آن حضرت رسالت پناه که تسبیح حضرت فاطمه (ع) که مشهور است در میان امت متعلق به

آن حضرت است که حضرت رسالت پناه (ص) به او شفقت فرموده که بخواند چون بسیار محنت می‌کشید از خدمات خانه.»

بررسی اقوال درباره زمان تألیف

کتب تراجم و فهرست‌نگاران درباره زمان تألیف رساله تذكرة الأئمة؛ دو تاریخ را ذکر کرده‌اند:

تألیف در ۱۰۸۵ قمری

مصلح الدین مهدوی در زندگینامه علامه مجلسی می‌نویسد: «علامه مجلسی در سال‌های ۱۰۸۵ و ۱۰۸۶ ق در مشهد مقدس رضوی بوده است. تاریخ اجازه علامه مجلسی جهت أبو الحسن استرآبادی مشهدی، ۱۰ جمادی الأولى سال ۱۰۸۵ ق و تاریخ اجازه حرّ عاملی جهت علامه مجلسی، اول جمادی الآخرة ۱۰۸۵ ق و تاریخ تألیف رساله اعتقادات اواخر محرم ۱۰۸۶ ق و تاریخ اتمام ترجمه خطبة الرضا علیه السلام و رساله وجیزه رجب این سال در مراجعت از سفر خراسان در بین راه بوده است. و تاریخ اجازه مولی محمد طاهر قمی به جهت علامه مجلسی هفتم ذی قعدة این سال (ظاهراً در قم) است. بنا بر این مسافرت علامه مجلسی از قبل از جمادی الأولى سال ۱۰۸۵ ق، شروع شده و تا بعد از ذی قعدة ۱۰۸۶ ق به درازا کشیده است.» (مهدوی، ۱۳۷۸ ش، ۱: ۱۶۲) در چند نسخه از تذكرة الأئمة، تاریخ فراغ از کتابت ۱۰۸۵ ذکر شده و تصریح کرده که در جوار امام رضا علیه السلام کتاب را تمام کرده است. البته نگارش این کتاب از مدتها پیش توسط مجلسی شروع شده بوده ولی اتمام این کتاب در جوار امام رضا علیه السلام صورت پذیرفته است. عبارت پایانی رساله چنین است: «وقد فرغت من تسويد هذه الرسالة العاجلة مع وفور الاشتغال و تخلخل الأحوال على سبيل الاستعجال في مشهد إمام المومنين».

تألیف در ۱۰۷۵ قمری

برخی این احتمال را مطرح کرده‌اند که تاریخ تألیف این کتاب مربوط به سال ۱۰۷۵ ق باشد. در این باره گرد آورندگان کتاب فهرستگان نسخه‌های خطی ایران؛ موسوم به فنخا در معرفی رساله و نسخه‌های خطی تذكرة الأئمة با سخن الدررعیة مبنی بر تألیف این رساله در ۱۰۸۵ ق مخالفت می‌کنند؛ زیرا نسخه‌ای خطی از این رساله به شماره ۲۹۴۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود

که در ۱۲۵۴ ق توسط محمد محسن الخادم ابن محمد علی القائنی در ۱۰۷۵ ق استنساخ شده است. (نک: درایتی، ۱۳۹۱، ش، ۷: ۷۸۳)

داوری نهایی درباره زمان تألیف

چنانکه گذشت در بیشتر نسخ خطی باقی‌مانده از این رساله گفته شده که این کتاب در جوار مضجع مطهر رضوی (ع) نوشته شده است. در حالی که به نقل‌های تاریخی علامه مجلسی دو بار به زیارت مشهد مقدس مشرف شده که هیچ یک در سال ۱۰۷۵ ق نبوده است. ارجاع به *بحار الأنوار* در متن و در تلخیص هم گواه دیگری است بر این که تذکره و تلخیص آن در ۱۰۷۵ ق نوشته نشده‌اند؛ زیرا مشهور آن است که علامه مجلسی از ۱۰۷۷ ق نوشتن *بحار* را شروع کرده است.

بر شواهد فوق باید این احتمال را هم افزود که درباره زمان تألیف رساله در نسخ خطی موجود با دو عبارت مواجهیم: «سنه خمس و ثمانین بعد الألف» یا «سنه خمس و سبعین بعد الألف». از سوی دیگر در نسخ موجود با رسم الخط کلماتی مانند «معویه، اسمعیل، علیه الصلوة والسلام» هم مواجهیم که در آنها حرف الف کلمات به صورت ممدود نوشته نشده و به صورت مقصور ضبط شده است. از این رو ممکن است کاتب یا کاتبانی ترجیح داده باشند که سال تألیف این رساله را به صورت «سنه خمس و ثمنین بعد الألف» بنویسند و ناسخ نسخه ۲۹۴۲ مجلس هم «ثمنین» را به اشتباه «سبعین» ضبط کرده باشد.

نتیجه

اختلاف کتابشناسان و نسخه پژوهان در تعیین مؤلف رساله *تذکره الأئمه*، ریشه در آن دارد که احاطه کاملی بر نسخ خطی متعدد این رساله نداشته‌اند. افزون بر اینکه شواهد درون متنی و برون متنی معین‌کننده نام نویسنده را هم به خوبی مورد توجه قرار نداده‌اند. ما التفات به همین دو جهت، به این نتیجه رسیدیم که این رساله توسط علامه مجلسی در مشهد نوشته شده است. یکی از شاگردان کمتر شناخته شده وی — که برخی تراجم نگاران او را محمدباقر بن محمدتقی لاهیجی خوانده‌اند — به تلخیص این رساله پرداخت و در مواردی ضمن تلخیص خود به مقایسه سخنان علامه مجلسی در این رساله و در *بحار الأنوار* هم روی آورد. درباره تاریخ تألیف این رساله هم باید گفت علی‌رغم باور برخی مبنی بر تألیف این رساله در ۱۰۷۵ هجری در شهر مشهد، نمی‌توان پذیرفت این رساله در این تاریخ

نوشته شده باشد؛ چون تاریخ مسافرت‌های علامه مجلسی مشخص است و علامه در این سال به مشهد مشرف نشده است. ارجاعات و مقایسه‌های این رساله با بحار الأنوار علامه مجلسی از سوی ملخص این رساله هم گواه دیگری بر نادرستی تألیف این رساله در ۱۰۷۵ هجری است؛ زیرا علامه در ۱۰۷۷ هجری تألیف بحار الأنوار را آغازیده است. رساله تذكرة الأئمة و تلخیص آن نزد اندیشمندان چندان قرب و ارجی نیافت به نحوی که حتی تراجم نگاران تفصیلاً متن آن را ننگریسته‌اند و از شواهد درون متنی آنها برای تعیین دقیق مؤلف آن و تفاوت میان اصل رساله و تلخیصش هم غفلت کرده‌اند. نشرهای متعدد این رساله از روی نسخ ناقص و عدم تصحیح آن با اعتماد بر نسخ خطی کامل رساله تذكرة الأئمة هم گواه دیگری بر عدم توجه اهل علم به این رساله است؛ همچنان که وجود نسخ خطی فراوان آن رساله و تعدد نشرهای سنگی و سربی متعدد آن در سده سیزده و چهارده قمری می‌تواند حمل بر اقبال عوام و عموم مردم به این رساله شود.



منابع

- آرتور، جفری، مدخل *تذکره الأئمة*، در: *دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
- آقا بزرگ طهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، دار الأضواء، چاپ سوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ابن طاووس، علی بن موسی، *سعد السعود*، قم، دار الذخائر، بی تا.
- أمین عاملی، سید محسن، *أعیان الشیعة*، دار التعارف، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *لؤلؤة البحرين فی الإجازات و تراجم رجال الحدیث*، مکتبه الفخرآوی، بحرین، ۱۴۲۹ ق.
- حسینی جلالی، سید محمدحسین، *فهرس التراث*، قم، انتشارات دلیل ما، چا سوم، ۱۴۲۲ ق.
- جرجانی، ابوالمحاسن، *جلاءالاذهان و جلاءالاحزان*، تهران، نشر محدث ارموی، ۱۳۳۷ ش.
- درایتی، مصطفی، *دنا (دستنوشته های ایران)*، تهران، انتشارات کتابخانه ملس شورای اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
-*فنجا (فهرستگان نسخ خطی ایران)*، انتشارات کتابخانه ملی، ۱۳۹۱ ش.
- طارمی، حسن، *علامه مجلسی*، تهران، طرح نو، ۱۳۸۹ ش
- قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، *الخرائج و الجرائح*، قم، مؤسسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء*، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
-*عین الحیوة*، تهران، قائم.
-*بیست و پنج رساله فارسی*، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت اله مرعشی، ۱۴۱۲ ق.
-*مرآة العقول*، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۴ ق.
- موسوی خوانساری، محمد باقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، اسماعیلیان، چاپ اول، قم، ۱۳۹۰ ق.
-*زندگی نامه علامه مجلسی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- میرزا حیدر علی بن عزیز الله مجلسی اصفهانی (۱۲۱۴ ق)، *الإجازة الكبيرة*، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، شماره ۶۰۵۷، کاتب ابن محمد مقیم محمد تقی الموسوی، تاریخ کتابت ۱۲۳۰ ق.
- نوری، میرزا حسین بن محمد تقی، *الفیض القدسی فی ترجمه العلامة المجلسی*، قم، نشر مرصاد، ۱۳۷۷ ش.